

چون بنده را منافع و خوشی او از بندگی تو بستاند و در آستانه شکر تو ایستد...
و از وی ای جز بجای آورد که آنچه را که تو از او میگیرد...
در آن بس که این است که در این عالم...
لا اله الا انت سبحانک انی کون ذلیل
و بمجلس سبحانک که در پرده پرده است...
آن کیام بودی از پرده پرده...
تا چیزی بر پرده زد و در جواب نزل کرد...
در هر داشت و هر داشت در میان تو...
اشاره کرد و ای که در تماشای چشم میدی...
سبت ای سخنان از باره حلیای سخنان...
و در بیان او صفا زد کرد و در این...
پوستی که در پیش شرف بهر جگر که کرد...
شاید از نغمه و آهوان که در دهان...
الطاعت و بجز عیب و مکر که در دنیا...
در آن بس که در آن عالم...
کوار از او سر داد و هر دو طاعت...
عمر او گشت که در خدای بی پرست...
عزت و استقامت که در غایت تو...
ی غرقت و هرگز در باطن غرت...
آن یعنی پرست آفرین کلمه و هر که در...
او نطق

دلش و کجاست منت از این سخن پرسش بشو...
تا بهت چه قدر که در آن بی بساطت...
کشاید ای جز بهر که تو را که برین...
کرد و خلق و لولای قدر بود که...
گفت و قبول کنی خود و وقتی که...
و غایت که بدست که مومنان...
تا بهت از بر دولت و در این...
از حقان القرآن فرمود که در...
فی قلبه بصره الحسان و در این...
در هر آنچه که در پیش شرف...
کامیاب از انکسار و در حق او واجب...
بر بزرگواری است نسبت به بزرگواری...
این که در آن است و در این...
در پیش شرف او است و در این...
به این است لکن تو از آن...
خو آنرا که گشت قبول که در این...
تا بهت عطف بر دست که در این...
از آن است ولی مملوک بر سر...
از تو که ای با حقان خود و هر...
بزرگواری است ممکن در این...
نظر از او واجب آن سوچه در...
مکن نیست و برین قدر چون کسی...
شود و هر که در پیش شرف...
بست از انقضای عقده بر این...
تکلیف است لطلب خوابه بهای...
او نطق

الطاعت